

مشایخ ثقة الاسلام کلینی

نوشته: آیت الله سید محمدحسین طباطبایی بروجردی

ترجمه: عبدالحسین طالعی

چکیده: با توجه به سلسله اسناد روایات، فهرست نسبتاً مفصّلی از مشایخ حدیث ثقة الاسلام کلینی در کتاب مشهور الکافی، به دست می‌آید که تعداد ایشان سی و هفت نفر شمرده شده است. در نوشته حاضر، به معرفی این مشایخ به ترتیب الفبای کنیه از ابن بابویه تا محمد بن یحیی عطار، ابو جعفر قمی، پرداخته شده است. در ذیل هر شخصیت، تعداد روایات، مشایخ، راویان و در برخی موارد، توضیحات مختصری ارائه شده است. راویان روایات به دو دسته راویان کم حدیث و راویان مکرر تقسیم شده است. بر اساس تعاریف ارائه شده، راویان کم حدیث راویانی اند که روایت شیخ کلینی از آنان اندک است؛ از جمله: ابن بابویه، ابوبکر حبال، علی بن موسی و حسن بن خفیف. راویان مکرر نیز شامل راویان و مشایخی اند که شیخ کلینی احادیث زیادی از آنان نقل کرده است. از جمله آنها می‌توان به احمد بن ادریس، حمید بن زیاد، محمد بن یحیی و علی بن محمد کلینی اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: راویان کم حدیث / راویان مكثر / مشایخ روایت

کلینی / راویان کافی / راویان حدیث

مقدمه چهارم^۱

در بیان شیوخی که مصنف (ثقة الاسلام کلینی) در این کتاب (کافی) از آنها روایت کرده است. آنان گروهی اند که به ترتیب حروف الفبا، از آنان یاد می‌کنیم و کنیه‌ها را مقدم می‌داریم؛ از آن رو که شمار آنها اندک است:

اول - ابن بابویه

تعداد روایات: یک حدیث.

توضیح: ظاهراً، مراد از او، علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی باشد.

مشایخ: احمد بن ادریس، حسن بن علی بن حسین دینوری، حسین بن محمد اشعری، سعد بن عبدالله، عبدالله بن جعفر، علی بن ابراهیم، علی بن حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، علی بن حسین سعدآبادی، علی بن سلیمان زراری، علی بن موسی کمیدانی، محمد بن احمد بن علی بن صلت، محمد بن یحیی.

راویان: فرزندش محمد بن علی (شیخ صدوق)، جعفر بن قولویه، عباس کلوذانی.

دوم - ابوبکر حبال

تعداد روایات: یک حدیث.

مشایخ: محمد بن عیسی قطان، که او را نمی‌شناسم، چیزی از حال او نمی‌دانم و برای او در غیر این موضع، یادکردی نیافته‌ام.

۱. بخشی از کتاب «ترتیب أسانید الکافی» نوشته مرحوم آیت‌الله بروجردی، تنظیم: مرحوم میرزا حسن نوری همدانی. چاپ عکسی به خط مرحوم نوری. مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ هجری (بدون صفحه شمار).



سوم - ابوداود

تعداد روایات: هشت حدیث مفرداً و ده حدیث همراه با محمد بن یحیی از احمد.

مشایخ: تمام آن روایات را از حسین بن سعید روایت کرده است و او از علی بن مهزیار.

توضیح: او قطعاً ابوداود مسترق نیست؛ زیرا وی از خردسالان طبقه ششم بود و تا حدی زیست که با بزرگسالان طبقه هفتم نیز معاصر شد و در سال ۲۳۱ درگذشت. اگر مصنف (کلینی) از او روایت می‌کرد، باید عمر مصنف، ۱۰۳ سال یا بیشتر می‌بود که خلاف آن روشن است. پس، ابوداود، از مشایخ مجهول کلینی است - که درباره آنها چیزی نمی‌دانیم - و اسم او را نیز نمی‌شناسیم. البته، او از حسین بن سعید و علی بن مهزیار روایت کرده و مصنف نیز از او روایت کرده است. طبقه رجالی: طبقه هشتم

چهارم - احمد بن ادریس بن احمد، ابوعلی اشعری قمی

تعداد احادیث: حدود هشتصد حدیث، مفرداً یا مقرون با دیگر راویان. معرفی و مشایخ: این شیخ از بزرگان طبقه هشتم رجالی، از اصحاب ما و ثقات و فقهای آنها بود. کتاب النوادر را نوشت. روایات او در آن کتاب، از شانزده شیخ است که پس از ذکر اسناد روایاتش، در این کتاب (ترتیب أسانید الکافی) خواهد آمد. او از دیگران نیز روایت کرده است؛ اما بیشتر - بلکه عمده - روایاتش، از محمد بن عبد الجبار قمی است.

راویان: به جز مصنف، افراد دیگر از او روایت کرده‌اند: احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری، احمد بن محمد بن یحیی قمی، فرزندش حسین بن احمد، حسین بن علی بن سفیان بزوفری، علی بن حاتم قزوینی، علی بن حسین بن بابویه قمی، محمد بن حسن بن ولید نزیل قم، محمد بن حسین بن سفیان بزوفری، ابوعلی

محمدبن همام بغدادی.

وفات: در سال ۳۰۶، در قراء در راه مکه درگذشت.

توضیح: روایتی از هیچ امامی، از او نیافته‌ام. شیخ طوسی گوید: او ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) را ملاقات کرده، ولی از آن حضرت، روایت نکرده است.

پنجم - احمدبن عبدالله

تعداد روایات: ده حدیث، مفرداً.

مشایخ: یک حدیث از جدش، یک حدیث از احمدبن محمد، دیگر احادیث از احمدبن ابی عبدالله و احمدبن محمد برقی. تمام اینها یک تن هستند چنان که به زودی روشن می‌شود. من برای او روایتی جز از احمدبن محمدبن خالد برقی نیافته‌ام.

راویان: فرزندش علی بن احمدبن عبدالله، که از شیوخ صدوق و شریف صالح حسن بن حمزه علوی مرعشی طبری و مصنف است.

طبقه رجالی: طبقه هشتم

توضیح: ۱. احمدبن محمدبن برقی، جد او بوده؛ چنان که از اسانید روایات می‌توان فهمید. به عنوان نمونه:

- در امالی شیخ ابو جعفر طوسی، جزء سوم: أخبرنا محمدبن محمد، قال: حدثنا الشریف الصالح أبو محمد الحسن بن حمزة العلوی، قال: حدثنا أحمدبن عبدالله، قال: حدثنا جدی أحمدبن أبي عبدالله البرقی، عن أبيه - الخ.

- در همان کتاب، جزء هفتم: و بالإسناد قال: أخبرنا محمدبن محمد، قال: حدثنا الشریف الصالح أبو محمد الحسن بن حمزة العلوی، قال: حدثنا أحمدبن عبدالله، عن جدّه احمدبن أبي عبدالله البرقی، عن الحسن بن فضال - انتهى.

- در مشیخه من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق در بیان طریق خود به خبر «جاء نفر من اليهود إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» گوید: و کلاً کان فیہ «جاء نفر من اليهود» - إلى أن



قال: فقد رویتہ عن علی بن أحمد بن عبد اللہ البرقی - رضی اللہ عنہ - عن أبیہ، عن جدّہ أحمد بن أبي عبد اللہ، عن أبیہ - إلى آخره. از اینجا بر می آید که مراد از تعبیر «جدّه» - که در مواضع فراوان کتاب (کافی) از او روایت کرده - احمد برقی است.

توضیح ۲. آیا احمد بن محمد بن برقی جدّ مادری او بوده است؟ که در این صورت، پدرش عبد اللہ، داماد احمد برقی (همسر دختر او) بوده است؛ چنان که بسیاری از متأخران پنداشته اند. (و عبارت فهرست شیخ طوسی در ضمن ترجمه احمد بن محمد بن خالد برقی بر آن دلالت دارد که در ضمن طرق خود به او گوید: و أخبرنا هؤلاء الثلاثة، عن الحسن بن حمزة العلوي قال: حدّثنا أحمد بن عبد اللہ ابن بنت البرقي قال: حدّثني جدي أحمد بن محمد.) یا اینکه جدّ پدری او بوده و عبد اللہ پدرش، فرزند احمد بن محمد بوده است؟

ظاهراً شقّ دوم صحیح است. تصریح جمعی از معاصران او در مواضع فراوانی از اسانید روایات، بر این نظر دلالت دارد. از جمله:

- در امالی شیخ طوسی، جزء ۱۵ حدیث ۶، ضمن روایت از حسین بن عبد اللہ، از ابو جعفر محمد بن بابویه گوید: و بالاسناد قال: حدّثنا علي بن أحمد بن عبد اللہ بن أحمد بن أبي، عبد اللہ البرقي قال: حدّثني أبي، عن جدي أحمد بن أبي عبد اللہ البرقي قال: حدّثنا ابي، عن علي بن النعمان.

- در فهرست نجاشی، ضمن ترجمه محمد بن خالد برقی، بعد از ذکر کتابهای او گوید: أخبرنا علي بن نوح قال: حدّثنا الحسن بن حمزة الطبري قال: حدّثنا أحمد بن عبد اللہ بن أحمد بن أبي عبد اللہ محمد بن خالد البرقي قال: حدّثنا أحمد بن أبي عبد اللہ، عن ابیہ بجميع کتبه. - در مشیخه من لا یحضره الفقیه، صدوق در ضمن ذکر طریق خود به محمد بن مسلم گوید: و ما کان فیہ عن محمد بن مسلم الثقي، فقد رویتہ عن علي بن أحمد بن عبد اللہ بن أحمد بن أبي عبد اللہ، عن أبیہ، عن جدّہ أحمد بن أبي عبد اللہ البرقي، عن أبیہ محمد بن خالد، عن العلاء بن رزین، عن محمد بن مسلم - انتهى.



این گونه موارد، زیاد است که فرد متتبع بر آن وقوف می‌یابد و دلالت آنها بر مطلوب، روشن است.

همچنین احتمال تعدد احمد بن عبدالله - که از احمد بن ابی عبدالله روایت کرده و حسن بن حمزه علوی از او روایت کرده - و اینکه عبدالله پدر یکی از آنها، پسر او باشد، و پدر دیگری داماد او باشد، بعید است.

احتمال جمع به اینکه عبارت «پسر دختر برقی» در بیان فهرست شیخ طوسی را وصفی برای عبدالله قرار دهیم و عبدالله بن احمد را در این عبارت، بر نسبت او به جد مادری اش حمل کنیم، نیز بعید است. همچنین احتمال وقوع سهو برای این بزرگان در عبارات فراوان آنها از دو حالت خارج نیست: یا اینکه شیخ در عبارت خود در فهرست، مرتکب سهو شده، یا اینکه ناسخان، استاد کلینی را نوه دختری احمد برقی می‌دانسته‌اند و بدین رو در عبارت کتاب، تصرف کرده‌اند.

ششم - احمد بن محمد بن طلحه، ابو عبدالله عاصمی کوفی، نزیل بغداد

معرفی: نجاشی درباره او می‌گوید: «او ثقه، خیر و سالم بود. از شیوخ کوفی روایت کرد. کتابهایی دارد؛ از جمله: کتاب النجوم و کتاب موالید الأئمة علیهم السلام و أعمارهم.»

لقب او عاصمی است؛ به دلیل نسبت او به عاصم، پدر علی بن عاصم، محدث معروف، متوفی به سال ۲۰۱ در ۹۲ سالگی.

تعداد روایات: حدود ۷۰ حدیث، که از او به عنوان احمد بن محمد کوفی یا ابی عبدالله عاصمی نام برده است. مشایخ: ابراهیم بن حسن، علی بن حسن بن علی بن فضال بن عمرو بن ایمن مولی تیم الله بن تعلبه، محمد بن احمد بن خاقان نهدی معروف به حمدان قلاتسی، ابن جمهور.

راویان (غیر از مصنف): حسن بن احمد بن الیاس، حسین بن علی بن سفیان

بزوفری، محمدبن احمدبن جنید اسکافی.

هفتم - احمدبن محمدبن سعیدبن عبدالرحمن بن زیاد، مولی همدان، ابوالعباس کوفی

معرفی: وی حافظ زیدی، معروف به ابن عقده بود؛ زیرا پدرش نحوی بود که در کلامش، به تعقید (دشوارگویی) سخن می‌گفت. در سال ۲۴۹ زاده شد و در ۳۳۳ درگذشت.

مشایخ: از جمعی از طبقه هفتم و هشتم روایت کرده است.

راویان: جمعی از راویان طبقه نهم و دهم از او روایت کرده‌اند.

توضیح: از مشایخ و راویان او می‌توان فهمید که او از صغار طبقه هشتم است که به دلیل طول عمر، با طبقه نهم نیز معاصر بوده است. وی چهار سال پس از مصنف (کلینی) درگذشت. در کثرت حفظ، گستره روایت، تسلط بر علم حدیث و رجال و علوم دیگر، اعجوبه زمان بود. خاصه و عامه به این ویژگی او اذعان دارند و کتابهای فراوان و سودبخش تصنیف کرد.

تعداد روایات: چهار روایت، که ناسخان به سند دو روایت دست یافته‌اند و دو روایت باقی مانده است.

هشتم - احمدبن محمد، عن محمدبن الحسن

تعداد روایت: چهارده حدیث، که در شش حدیث، با محمدبن یحیی همراه است.

مشایخ: در شش حدیث، از محمدبن حسین نیز روایت کرده که در پنج مورد با او همراهی داشته است. ظاهر این است که این شش حدیث نیز از محمدبن حسن بوده که حسن به حسین، تصحیف شده است.

معرفی و طبقه رجالی: سیاق اسانید یاد شده دلالت دارد بر آنکه محمدبن حسن

در این اسانید، محمدبن حسن صفار قمی است. پس در این صورت، او نه احمد عاصمی است و نه ابن عقده؛ زیرا این دو تن، از صفار روایت نکرده‌اند. پس ظاهر آن است که او شخصیتی دیگر از اهل قم یا اهل ری بوده که در روایت از صفار، با محمدبن یحیی شرکت داشته است؛ پس از طبقه نهم خواهد بود. نیز احتمال می‌رود که او، ابن دول قمی نیز باشد. این احتمال جای دقت نظر دارد.

نهم - احمدبن مهران

تعداد روایت: حدود ۵۰ حدیث.

توضیح ۱. مصنف - بر اساس نسخه‌های کافی که در اختیار ماست - در یازده مورد، پس از یادکرد نام او، برایش طلب رحمت کرده است. مشایخ و طبقه رجالی: هفده حدیث را از شریف صالح عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی و دیگر روایات را از محمدبن علی روایت کرده که ظاهراً ابوسمینه باشد. پس وی از طبقه هشتم رجالی است. توضیح ۲. علامه حلی، از ابن غضائری، تضعیف این شیخ را نقل کرده است. البته ما در مورد او، جز آنچه یاد کردیم، نمی‌دانیم. و شاید بتوان از کثرت طلب رحمت مصنف بر او، دریافت که او شخصی صالح بوده؛ اگر چه بر فن حدیث تسلط نداشته باشد. نیز می‌توان یافت که او قبل از سال ۳۰۰ در گذشته است.

دهم: حبیب بن الحسن

تعداد روایات: سه حدیث (در کتاب الحدود).

مشایخ: محمدبن عبدالحمید، از طبقه هفتم (۲ حدیث)، محمدبن ولید، از معمر بن طبقه ششم (یک حدیث).

طبقه و رجالی: از اینجا می‌توان فهمید که او از طبقه هشتم بوده است. توضیح: در غیر این اسانید، یادی از او نیافته‌ام و احتمال دارد که حبیب در این

سندها، تصحیف حسین باشد و مراد از او، حسین بن حسن علوی رازی باشد که در آینده ذکر خواهد شد.

یازدهم - حسن بن خفیف

تعداد روایات: یک نقل (در باب مولد الصاحب علیه السلام که یک معجزه از حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - که خود دیده، نقل کرده است).
معرفی: از این روایت بر می آید که پدرش خفیف، وکالتی از ناحیه مقدسه در برخی از امور داشته است. در غیر این موضع، یادی از او و پدرش نیافتیم.

دوازدهم - حسین بن احمد

تعداد روایات: پنج حدیث (در اموری که تعلق به احکام ندارد).
مشایخ: ابی کریب و الاشج (یک روایت که واقعه فضاة خادم با شیر در کربلا است)، احمد بن هلال (در چهار حدیث).
در مورد احمد بن هلال، ناسخان، مرتکب تصحیف شده اند؛ لذا «ابن احمد» در سه مورد از چهار حدیث سقط شده است؛ ولی پس از جمع میان موارد، مطلوب ما را می توان از آن یافت.
توضیح ۱ از تتبع اسانید شیوخ بر می آید که حسین بن احمد - که از احمد بن هلال روایت می کند - حسین بن احمد مالکی است که گاهی به «حسن» (مکبر) تصحیف شده، یا اینکه شیخی از اصحاب حدیث از طبقه ششم بوده که از احمد بن هلال، محمد بن عیسی بن عبید، محمد بن ولید شباب الصیرفی روایت کرده است. همچنین حافظ احمد بن محمد بن سعید، حسین بن محمد بن فرزدق قطعی، ابوعلی محمد بن همام، ابوطالب عبیدالله بن احمد انباری از او روایت کرده اند. بلکه چه بسا از عبارت شیخ طوسی - که در کتاب رجال، در باب «کر» (راویان از امام عسکری علیه السلام) از حسن بن احمد مالکی یاد کرده - بر آید که او از امام ابی محمد (امام

عسکری رضی اللہ عنہ) روایت کرده است. البتہ در آن، حسن (مکبّر) یاد شده؛ ولی ظاهر، آن است که این نام، تصحیف حسین باشد. بر این مدّعا، دلائلی گواه است؛ از جمله آنکه:

- در تہذیب الاحکام، باب «الأغسال المندوبية» گوید:

أخبرني جماعة، عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري، عن الحسين بن محمد بن الفرزدق القطعيّ البزاز، أنه قال: حدّثنا الحسين بن أحمد المالكيّ قال: حدّثنا أحمد بن هلال العبرتيّ - إلى آخره.

- در رجال نجاشی، ضمن ترجمه محمد بن الفرّج الرّخجی گوید: أخبرنا أحمد بن عبد الواحد، قال: حدّثنا عبيد الله بن أحمد، قال: حدّثنا الحسين بن أحمد المالكيّ، قال: قرأ عليّ أحمد بن هلال مسائل محمد بن الفرّج.

- در همان کتاب، در ترجمه عبدالله بن ابجر کنانی گوید: أخبرنا أحمد بن عبد الواحد، قال: حدّثنا عبيد الله بن أحمد الأتباري، قال: حدّثنا الحسين (الحسن - خ ل) بن أحمد مالكي، قال: حدّثنا محمد بن عيسى بن عبيد، عن يونس بن عبدالله بن أبجر.

- در همان کتاب، در ترجمه داوود بن كثير رقی گوید: أخبرنا أبو الحسن بن الجنديّ، قال ابو عليّ بن همام، قال: حدّثنا الحسين بن أحمد المالكيّ، قال: حدّثنا محمد بن الوليد المعروف بشباب الصيرفيّ - إلى آخره.

توضیح ۲. آیا حسین بن احمد مالکی - که از افراد یاد شده روایت کرده - همان است که خطیب بغدادی در تاریخ خود، از او یاد کرده (و گفته است: «حسین بن احمد بن عبدالله بن وهب بن علی المالکی، از بنی مالک بن حبيب، - که به عنوان اسدی نیز شناخته می شود - نقل حدیث می کند از محمد بن عبدالرحمن بن سهم الأنطاکی، عبيد بن هشام الحلّی، محمد بن وهب بن ابی کریمه الحرانی، یحیی بن اکثم القاضی، عبدالوهاب بن ضحاک عرضی، بشیر بن هلال بصری، عامر بن سیار، هشام بن عمّار دمشقی، هشام بن خالد دمشقی، محمد بن احمد رازی، حامد بن



یحییٰ بلخی، مسیب بن واضح. همچنین عبدالصمد بن علی طتی و ابوبکر شافعی از او روایت کرده‌اند. ابوبکر اسماعیلی به ما خبر داد که گفت: حسین بن احمد مالکی ابوعلی در بغداد برای ما حدیث کرد (یا شخصیتی از رجال شیعه است؟ به دلیل اینکه روایت چنین شخصی - که از شیوخ حدیث مشهور نزد جمهور است - از ابو محمد علیه السلام (امام عسکری) یا از رجال شیعه، بعید است؟

ظاهر، شقّ اول است؛ به دلیل آنچه در رجال نجاشی، در ترجمه مروان بن مسلم گوید: «او را کتابی است که آن را جماعتی روایت کرده‌اند. محمد بن جعفر به ما خبر داد و گفت: حدیث کرد ما را احمد بن محمد بن سعید، از حسین بن احمد بن عبدالله بن وهب مالکی، از احمد بن هلال - الی آخر. در این سند، ابن عقده با نسب خود (نام خودش و جدّش و جدّ پدرش) یاد شده، به همان گونه که خطیب آورده است. نیز او از احمد بن هلال روایت کرده است.

اینک ببینیم که در تعلیقه، در این مورد چه گفته‌اند. در آن مأخذ، ذیل نام «حسن بن احمد مالکی» - که در متن آمده است - گوید: «گفته‌اند که او حسن بن مالک اشعری قمی است که ثقه است و از ری برآمده و نسبتش به جدّش مالک احرض اشعری می‌رسد. و ذیل حسین بن احمد مالکی درباره اش سخن خواهد رفت.» در همان کتاب گوید: «حسین بن احمد مالکی، در روایات، بدین سان یاد شده و شاید حسن صحیح باشد. میرداماد گفت که حسن (مکبّر) درست است، چنان که شیخ طوسی یاد کرده است: «از احمد بن هلال عبرتایی روایت می‌کند و حسین بن محمد قطعی از او روایت کرده، و نیز کسانی که در طبقه این دو بوده‌اند.» و این پندار که هر دو برادر بوده‌اند، مستندی ندارد. و شاید گمان شود که او برادر حسین بن مالک قمی از ری باشد و مالکی را به دلیل نسبت به مالک اشعری قمی پندارند.»

این کلام - که در تعلیقه آمده - دور از صواب است. همین گونه است مطالبی که از میرداماد نقل کرده؛ با اینکه به لفظ «قیل» (= گفته‌اند) است و چه بسا بتوان پنداشت



که این دو، توافق ندارند. در این مطلب باید تأمل کرد. به علاوه، توثیق حسن بن مالک اشعری - بلکه اصل وجود او - معلوم نیست. و این نکته که حسن (مکبّر) را بر حسین (مصغّر) ترجیح داده‌اند - به تبعیت از شیخ طوسی - نباید چنین باشد. از کلامشان بر می‌آید که به آنچه بیان کردیم، دست نیافته‌اند؛ مگر سند روایت تهذیب که میرداماد به آن دست یافته و بر اساس آن گفته که او از احمد بن هلال روایت کرده و حسین قطعی از او روایت کرده است. علاوه بر این، من تا کنون، به روایتی دست نیافته‌ام که او از امام عسکری - صلوات الله علیه - نقل کرده باشد؛ گرچه شیخ طوسی از او یاد کرده است.

سیزدهم - حسین بن حسن

تعداد روایات: هفده حدیث.

معرفی: مصنف در یک حدیث، به جز نام او و نام پدرش هیچ نگفته است. در دو حدیث او را با صفت «هاشمی»، در سه روایت: به صفت «حسینی»، و در یک حدیث با صفت «علوی» وصف می‌کند. پس می‌توان گفت که نسب او به امام سجاد علیه السلام می‌رسد. از روایات او بر می‌آید که به سیره و اخبار، عالم بوده است. مشایخ: ابراهیم بن اسحاق احمر، صالح بن ابی حماد، محمد بن زکریا غلابی بصری، ابی الطیب مثنی.

توضیح: وی یکی از دلالت‌های (معجزات) ناحیه مقدسه را نقل کرده؛ به گونه‌ای که از آن بر می‌آید که از برخی از آنچه به وکلاء می‌رسید، اطلاع داشته است. و گویی همان کسی است که شیخ طوسی در باب «لم» (از کتاب رجال شیخ طوسی) یاد کرده و گفته: «حسین بن حسن حسینی اسود، فاضل، که کنیه او ابو عبدالله رازی است.»

طبقه رجالی: طبقه هشتم.



چهاردهم - حسین بن علی

تعداد روایات: هشت حدیث.

معرفی: در چهار حدیث، او را با صفت «هاشمی»، و در چهار حدیث دیگر، به صفت «علوی» وصف می‌کند. در یکی از این احادیث، به جای حسین، حسن (مکبر) آورده است. و نسخه‌ها در مورد دور روایت، اختلاف دارد.

مشایخ: سهل بن جمهور، محمد بن حسین، محمد بن عیسی بن عبید، محمد بن موسی.

توضیح: وی از ناحیه مقدسه، دلالتی روایت کرده که از آن بر می‌آید که از بعضی آنچه بر وکلاء وارد شده، آگاه بوده است.

احتمالاً او حسین بن علی دینوری است که علی بن حسین بن بابویه از او روایت می‌کند. نیز احتمال می‌رود که او همان حسین بن حسن علوی باشد (که قبلاً یاد شد)؛ بدین سان که در یکی از تعبیرها، نسب او به جدش بیان شود.

پانزدهم - حسین بن فضل بن یزید (زید - خ ل) یمانی

توضیح: در برخی از نسخ، «حسن» (مکبر) آمده است.

تعداد روایات: پنج دلالت (در باب مولد الصاحب علیه السلام).

معرفی: از برخی از این دلالتها بر می‌آید که او و پدرش با ناحیه مقدسه، مکاتبه داشته‌اند. برای او و پدرش جز در این موضع، یاد کردی نیافته‌ام.

شانزدهم - حسین بن محمد بن عامر بن عمران بن ابی عمر

توضیح ۱. عنوان بر اساس کلام نجاشی - که در ترجمه او آورده - نوشته شد.

شاید جد او عمران بن ابی بکر باشد؛ چنان‌که نجاشی ذیل شرح حال عمویش

عبدالله بن عامر ابو عبدالله اشعری قمی گوید. اما آنچه در باب «لم» از کتاب رجال

شیخ طوسی آمده - که از او به حسین بن احمد تعبیر کرده است - گویا سهو ناسخان



باشد. نیز نجاشی، ذیل ترجمه‌اش، «عامر» را از نسبش ساقط کرده که برای رعایت اختصار است. لذا از او ذیل شرح حال عمویش (عبدالله بن عامر اشعری) یاد می‌کند.

تعداد روایات: ششصد و شصت حدیث.

مشایخ: ابراهیم بن محمد طاهر، احمد بن اسحاق اشعری، احمد بن عبدالله، احمد بن علی کاتب، احمد بن محمد بن سیار بصری، جعفر بن محمد بن محمد بن مالک فزاری کوفی، خیرانی، صالح بن ابی حماد رازی، عبدالله بن رزین، (عمویش) عبدالله بن عامر اشعری، علی بن محمد بن علی بن سعد اشعری قزدانی، محمد بن احمد بن خاقان نهدی کوفی، محمد بن عبدالله، محمد بن عمران سبعی، محمد بن یحیی فارسی، معلی بن محمد بصری (که بیشتر روایات او از معلی است).
از رجال نجاشی بر می‌آید که او از محمد بن ابی القاسم ماجیلویه نیز روایت می‌کند.

اما آنچه در باب «لم» از کتاب رجال شیخ طوسی آمده که او از ابن ابی عمیر روایت کرده، سهواست. و اگر از وی روایت کرده باشد، به طریق ارسال است؛ مانند روایت از محمد بن جمهور و محمد بن سالم بن ابی سلمه که در این کتاب آمده است. راویان (غیر از مصنف): جعفر بن محمد بن قولویه، علی بن بابویه، محمد بن حسن بن ولید، محمد بن حسن صفار (در بصائر الدرجات).

توضیح ۲. روایتی نیافتم که این شیخ، از احمد بن محمد بن عیسی یا دیگر اجله شیوخ قم (از طبقه هفتم) روایت کرده باشد. تاریخ ولادت و وفات او را نیز نیافتم. البته ابن قولویه از او روایت کرده است. پس او تا حدود سال ۳۰۰ زنده بوده است. در کافی، باب مولد الصحابه علیهم السلام روایتی از او هست که از آن بر می‌آید که او در دوره ابی محمد (امام عسکری علیه السلام) فردی بزرگوار بوده که بر بعضی از نامه‌های امام عسکری علیه السلام به کارگزارانش آگاه بوده است. روایت او از احمد بن اسحاق، این

مطلب را تأیید می‌کند. (دقت کنید).
نجاشی او را توثیق کرده و گفته که او راست کتاب النوادر.
طبقه رجالی: طبقه هشتم.

هفدهم - حمید بن زیاد بن حماد بن زیاد... دهقان، ابوالقاسم کوفی نزیل نینوا.
معرفی: از واقفه بود و در میان آنها جایگاهی داشت. شیخ طوسی گوید:
«تصانیف فراوان داشت و اکثر اصول را روایت کرد.» نجاشی گوید: «ثقه بود.
کتابهایی را روایت کرد و آثاری نوشت؛ از جمله: کتاب الجامع، کتاب الخمس، کتاب
الدعاء، کتاب الرجال، کتاب من روی عن الصادق علیه السلام، کتاب الفرائض، کتاب
الدلائل - الی آخر.»

مشایخ: ابراهیم بن سلیمان خزاز، ابراهیم بن مسلم بن هلال ضریر، احمد بن
حسن بصری، احمد بن میثم بن فضل بن دکین، حسن بن محمد بن سماعه، حسن بن
موسی خشاب، حمدان قلاتسی، عبدالرحمن بن احمد بن...، عبیدالله بن احمد بن...،
قاسم بن اسماعیل قرشی، محمد بن تسنیم، محمد بن حسین بن سعید صائغ،
محمد بن خالد طیالسی، محمد بن موسی... و جمعی دیگر.

راویان: احمد بن جعفر بن سلیمان بزوفری، احمد بن محمد بن سعید حافظ،
حسین بن علی بن سفیان، حسین بن محمد بن علان، علی بن حاتم قزوینی، علی بن
حبشی بن قرنی، ابوعلی محمد بن همام، ابوطالب انباری، ابوالفضل شیبانی.

تعداد روایات: حدود ۳۲۰ حدیث که از حسن بن محمد بن سماعه، حسن بن
موسی خشاب، عبیدالله بن احمد بن محمد بن ایوب، و بیشتر آنها را از ابن سماعه
متوفی ۲۶۳ و طیالسی متوفی ۲۴۹ روایت کرده است. و شاید بر این اساس، بتوان
گفت که او در سال ۲۳۳ در قید حیات بوده است.

هیجدهم - داوود بن کورۃ بن سلیمان، ابوسلیمان قمی

معرفی: او کسی است که کتاب المشیخة نوشته حسن بن محبوب و کتاب النوادر نوشته احمد بن محمد بن عیسی را تبویب کرد و کتاب الرحمة فی العبادات، تصنیف اوست.

توضیح: مصنف هیچ گاه در اول اسانید کتاب به او تصریح نکرده؛ ولی به تنهایی، جزء گروهی است که رابط میان او و احمد بن محمد بن عیسی بوده اند؛ بنابراین آنچه نجاشی و علامه نقل می کنند؛ چنان که در آینده در ضمن شیوخ او خواهد آمد. اگر چه همه جا کلینی مقرون به دیگران، از او روایت کرده است.

نوزدهم - سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری، ابوالقاسم قمی

تعداد روایات: ۱۸ حدیث: یک حدیث به واسطه علی بن محمد، ۴ حدیث به واسطه محمد بن یحیی عطار، ۱۳ حدیث بدون واسطه که ۲ حدیث از آنها در بحث اوقات نماز است و بر وجه متابعه روایت کرده است و یازده حدیث از آنها در تواریخ و فیات ائمه علیهم السلام است و از آن میان، ۷ یا ۸ حدیث مقرون به عبدالله بن جعفر و سه حدیث مفرد است.

توضیح: شاید بتوان احتمال داد روایاتی که مصنف بدون واسطه از او نقل کرده، به شیوه «وجاده» باشد؛ از آن رو که بیشتر آنها به احکام تعلق ندارد و آنچه مربوط به احکام است، به شیوه «متابعه» است.

معرفی و طبقه رجالی: این شیخ از بزرگان، فقها، سرشناسان، افراد ثبیت و ثقة شیعه در طبقه هشتم رجالی بوده است. برای طلب حدیث مسافرت کرد؛ از عامه و خاصه حدیث شنید.

مشایخ از عامه: حسن بن عرفه (م ۲۵۷)، عباس بن عبدالله ترقفی (م ۲۶۷)، محمد بن عبدالملک دقیقی (م ۲۶۶)، ابوحاتم رازی (م ۲۲۷).

از خاصه: ابراهیم بن هاشم، ایوب بن نوح، احمد بن ابی عبدالله، احمد بن



حسن بن فضال، احمد بن محمد بن عیسی، حسن بن ظریف، عبدالله بن محمد، سندی بن ربیع، محمد بن حسین، محمد بن عبدالجبار، محمد بن عبدالحمید، معاویة بن حکیم، هارون بن مسلم، هیثم نهدی، یعقوب بن یزید، و دیگران.

راویان: احمد بن محمد بن یحیی، حمزة بن قاسم، علی بن بابویه، علی بن محمد بن قولویه، (پدرش) محمد بن قولویه، محمد بن حسن بن ولید.

معرفی ۲. نجاشی گوید: «او کتابهای زیادی نگاشته است که از آن میان، این کتابها به دست ما رسیده است؛ از جمله: کتاب الرحمة.» سپس نجاشی، ۳۰ کتاب دیگر در موضوعات فراوان مفید نام می برد.

البته از آن همه کتاب پربار، چیزی به دست ما نرسیده است. ابو جعفر (شیخ صدوق) در کمال الدین، ملاقات او با امام ابی محمد (امام عسکری علیه السلام) را گزارش کرده که حضرت عسکری او را به فرزندش، مولایمان صاحب الامر علیه السلام ارجاع داد و آن گرامی در سنین کودکی به پرسشهای او پاسخ گفت. نجاشی گوید: «برخی از اصحابمان را دیدم که این ملاقات را تضعیف می کردند و می گفتند که این حکایت به او نسبت داده شده است.»

وی در سال ۳۰۱ یا یک یا دو سال قبل از آن درگذشت.

بیستم - عبدالله بن جعفر بن حسن بن مالک بن جامع حمیری، ابوالعباس قمی

معرفی و طبقه رجالی: احادیث فراوان، از مشایخ شنید. کتابهای زیادی نوشت که در دو کتاب فهرست (فهرست شیخ طوسی و...) یاد شده است. فقیه، ثقه و در میان شیعه، سرشناس بود. در حدود سال ۲۹۰ یا ۲۷۰ وارد کوفه شد و اهل کوفه از او بسیار حدیث شنیدند؛ چنان که نجاشی آورده است. در رجال نجاشی دلالت بر گستره علم و علو مقام او به طور روشن، وجود دارد او از کبار طبقه هشتم است و به واسطه محمد بن عثمان عمروی، با امام ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) مکاتبه داشت.

مشایخ: ابوهاشم جعفری، ابراهیم بن مهزیار، ابراهیم بن هاشم، احمد بن اسحاق، احمد برقی، احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن محمد بن مطهر، احمد بن جمال، ایوب بن نوح، حسن بن ظریف، حسن بن موسی خشاب، سعد بن عبدالله، سلمة بن الخطاب، سندی بن محمد، عبدالله بن حسن بن علی بن جعفر، عبدالله بن محمد بن عیسی، علی بن اسماعیل بن عیسی، عمرکی، محمد بن ابی عبدالرحمن، محمد بن احمد بن زیاد، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، محمد بن خالد طیالسی، محمد بن عبدالجبار، محمد بن عبدالحمید بن سالم، محمد بن ریان بن صلت، محمد بن علی، محمد بن عیسی، محمد بن هارون، محمد بن ولید، هارون بن مسلم، یعقوب بن یزید، و دیگران.

راویان: احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، علی بن بابویه، محمد بن حسن بن ولید، (فرزندش) محمد بن عبدالله بن جعفر، محمد بن موسی بن متوکل، محمد بن همام، محمد بن یحیی، ابو غالب زراری.

تعداد روایات: حدود چهل حدیث که آنها را مصنف به واسطه فرزندش محمد بن عبدالله، محمد بن عیسی یا یکی از آن دو تن روایت کرده؛ مگر هفت یا هشت حدیث که آنها را از او و از سعد بن عبدالله - بدون واسطه - روایت کرده که در باب تواریخ ائمه علیهم السلام است؛ چنان که ذیل نام «سعد» گفتیم و همان جا، این احتمال بیان شد که آن احادیث به روش «وجادة» نقل شده باشد.

بیست و یکم - علی بن ابراهیم بن هاشم، ابوالحسن قمی

معرفی ۱. کتابهای زیادی نوشت که در فهرست شیخ طوسی و فهرست... یاد شده است؛ از جمله کتاب تفسیر که تا زمان ما باقی مانده است. نجاشی گوید: «ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب، سمع فأكثر وأضرب في وسط عمره.»
مشایخ: پدرش ابراهیم بن هاشم (۳۱۰۰ حدیث)، برادرش اسحاق بن ابراهیم (۲ تا حدیث)، احمد بن محمد برقی (۲ حدیث)، احمد بن محمد بن عیسی، صالح بن

سندی (۴۸ حدیث)، عباس بن معروف (۲ حدیث)، علی بن محمد بن شیره (۷ حدیث)، محمد بن سالم، محمد بن علی (۳ حدیث)، محمد بن عیسی (۴۷۰ حدیث)، مختار بن محمد بن مختار (۷ حدیث)، هارون بن مسلم (۶۷ حدیث) و دیگران. همچنین مشترکاً با پدرش، از صالح بن سعید، صالح بن سندی، علی بن محمد، محمد بن علی، محمد بن عیسی، مختار و هارون روایت می‌کند.

راویان (غیر از مصنف): احمد بن زیاد بن جعفر همدانی، شریف صالح حسن بن حمزه طبری، حسین بن ابراهیم بن باتانه، حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام، علی بن بابویه، محمد بن احمد صفوانی، محمد بن علی بن محمد بن ابی القاسم ماجیلویه، محمد بن موسی بن متوکل. همچنین به ندرت، روایتی از محمد بن حسن بن ولید از او یافته می‌شود.

تعداد روایت: سه هزار و هشتصد حدیث که در آن به نام او تصریح کرده؛ علاوه بر آنچه از طریق وی، از احمد بن محمد برقی و احمد بن محمد بن عیسی اشعری در ضمن «عدة من أصحابنا» روایت کرده است. بدین رو، وی به لحاظ کثرت احادیث روایت شده در این کتاب، مهم‌ترین شیخ روایتی مصنف است.

معرفی ۲. به تاریخ ولادت و وفات او دست نیافتم؛ اما از بعضی اسانید، بر می‌آید که او در سال ۳۰۷ زنده بوده، و وفات طبقه وی در حدود سال ۳۱۰ است.

بیست و دوم - علی بن ابراهیم هاشمی

تعداد روایات: ۱ حدیث.

مشایخ: آن یک حدیث را از جدش محمد بن حسن روایت می‌کند. البته ۹ حدیث دیگر نیز از او روایت شده؛ ولی به توسط محمد بن یحیی است. پس احتمال نزدیک می‌رود که ناسخان نام او را در این روایت، ساقط کرده باشند؛ ولی ما از او یاد کردیم؛ از آن رو که دلیل بر آن نداشتیم.

معرفی: نسب او چنین است: شریف علی بن ابراهیم بن محمد بن حسن بن محمد



جوانی، ابن عبیدالله اعرج، ابن حسین بن علی بن الحسین علیه السلام. وی به اخبار و سیره دانا بود. کتابهای اخبار صاحب فخ و اخبار یحیی بن عبدالله صاحب الدیلم، از آثار اوست. نجاشی او را ثقه و صحیح الحدیث دانسته است.

مشایخ: ابراهیم بن بنان، جعفر بن محمد فزاری، حسن بن علی بن هشام، حسن بن محمد مزنی، حسین بن حکم، سلیمان بن ابی العطوس، و جمعی از محدثان. راویان (غیر از مصنف): علی بن حسین اصفهانی، محمد بن یحیی. (دقت شود). طبقه رجالی: اظهر این است که او از طبقه هفتم باشد.

بیست و سوم - علی بن حسین قمی سعدآبادی مؤدب

معرفی و مشایخ: از علمای ادب بود. نزد احمد بن محمد بن خالد، ادب فراگرفت و از او روایت کرد و یکی از افراد «عده من أصحابنا»ی اوست؛ چنان که بیان می شود. او ادب می آموخت. ابو غالب زراری یکی از شاگردان اوست. راویان (غیر از مصنف): ابو غالب زراری، جعفر بن محمد بن قولویه، محمد بن موسی بن متوکل.

تعداد روایات: ۳ حدیث (با تصریح به نام او در کتاب الروضة). طبقه رجالی: طبقه هشتم.

بیست و چهارم - علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان، ابوالحسن رازی کلینی

معرفی: ثقه و عین بود. کتاب اخبار القائم علیه السلام را نوشت و در راه مکه، کشته شد. در مقدمه اول همین کتاب (ترتیب أسانید الکافی) بیان شد که او به عنوان «علان» شهرت دارد. وی دایی مصنف بود. قدس سرهما. نیز بیان شد که کلام کسانی که علان را پدر کلینی، محمد و احمد را عموی او، ابراهیم را جدش، علی بن محمد را پسر دایی او یا نوه خاله اش دانسته اند، ضعیف است. (به آن مقدمه رجوع شود).

مشایخ: احمد بن حسین (۲ حدیث)، اسحاق بن محمد (۲۳ حدیث)، جعفر بن

محمد کوفی (۶ حدیث)، حسن بن حسین (۲ حدیث)، حسن بن عیسیٰ عریضی (۲ حدیث)، سعد بن عبدالله (۱ حدیث)، سهل بن زیاد (۱۶۴ حدیث)، صالح بن ابی حمّاد (۵۵ حدیث)، عبدالله بن اسحاق علوی (۸ حدیث)، علی بن حسن، علی بن عباس (۸ حدیث)، محمد بن احمد بن ابی محمود خراسانی، محمد بن احمد قلاسی (۳ حدیث)، محمد بن عیسیٰ (۲ حدیث)، ابن جمهور (۱۴ حدیث). علاوه بر اینها، از بیست تن دیگر، دلالتهایی بر ناحیه مقدسه را - که خود دیده اند - روایت کرده است.

توضیح: روایت او از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، احتمال می‌رود؛ چرا که مصنف، علی بن محمد را - که از او روایت کرده - در هفت سند، به طور مطلق آورده و این اطلاق در کلام او به علان کلینی بر می‌گردد.

راویان: (غیر از مصنف): جعفر بن محمد بن قولویه که یکی از «عدّه من أصحابنا»ی سهل بن زیاد است.

تعداد روایات: حدود پانصد حدیث (به جز آنچه از طریق عدّه است).

بیست و پنجم - علی بن محمد بن عبدالله بن عمران حنّانی، ابوالحسن قمی برقی
 معرفی: پدرش محمد بن عبدالله، کنیه ابو عبدالله داشت که نزد غیر عربها، «ماجیلویه» خوانده می‌شد. جدش عبدالله بن عمران، کنیه ابوالقاسم داشت که ایرانیها او را «بندار» می‌خواندند. محمد بن عبدالله، داماد احمد بن محمد بن خالد برقی بود که دختر او را به همسری داشت؛ پس علی بن محمد، نوه دختری احمد برقی بود.

مشایخ: ابراهیم بن اسحاق نهاوندی (۲۶ حدیث)، جدّ مادری او احمد بن ابی عبدالله برقی (۱۰۳ حدیث)، پدرش محمد بن عبدالله ماجیلویه (۱۰ حدیث)، محمد بن عیسیٰ، سیاری.

راویان (غیر از مصنف): فرزندش محمد بن علی.

تعداد روایات: ۱۴۶ حدیث که کلینی از او، گاه به علی بن محمد بن بندار، گاه به علی بن محمد بن عبدالله و گاه به عنوان علی بن محمد، بدون ذکر اسم جدش، نام برده است.

توضیح: خاندان عمران حنانی در برفه قم، خاندان علم، فضل، ادب، روایت حدیث و تشیع بودند. میان آنها و بیت خالد بن عبدالرحمن - که به آن منطقه وارد شده بودند - پیوند سببی و مشارکت در فضل و علم و ادب و تشیع، برقرار بود. از این خاندان، گروهی از اهل علم برآمدند؛ از جمله:

الف. عمران برقی حنانی جد محمد بن ابی القاسم، عبدالله بن عمران. نجاشی او را یاد کرده است؛ همان گونه که آوردیم. سپس گوید: «او قلیل الحدیث بود و کتاب خلق الخلق را نوشت که سند من به آن چنین است: أخبرنا الحسين، ثنا علي بن محمد، ثنا حمزة، ثنا محمد بن أبي القاسم، عن جده عمران به.»

ب) نوه عمران، محمد بن ابی القاسم. نجاشی گوید: «محمد بن ابی القاسم عبیدالله بن عمران حنانی برقی ابو عبدالله؛ که ابو عبدالله ملقب به ماجیلویه و ابو القاسم ملقب به بندار بود. او بزرگی در میان شیعیان قمی، ثقه، عالم، فقیه، آشنا به ادب و شعر و غریب بود. او همچنین داماد احمد بن عبدالله برقی بود که دخترش را به همسری داشت و پسرش علی بن محمد فرزند مشترک این دو تن بود. علم و ادب را فراگرفت. کتابهایی نوشت؛ از جمله: کتاب المشارب، کتاب الطب، کتاب تفسیر حماسه ابن ابی تمام. پدرم علی بن احمد، از محمد بن علی بن الحسین، از محمد بن علی ماجیلویه، از پدرش علی بن محمد، از پدرش محمد بن ابی القاسم، برایم نقل حدیث کردند.»

باید دانست که در این کلام، خطاهایی است که به دلیل سهو ناسخان، روی داده است. از جمله، نام عبدالله بن عمران است که نجاشی در شرح حال عمران و علی، به درستی چنین نوشته؛ اما در اینجا عبیدالله بن عمران آمده است. نکته دیگر، نام

پدر همسر او، احمد بن ابی عبدالله، است و در اینجا به خطا احمد بن عبدالله آمده است. نکته دیگر نیز نام کتاب او حماسه اَبی تمام است و به خطا، حماسه ابن ابی تمام آورده اند.

به هر حال، در شمار مشایخ این شیخ می توان نام برد از: جدش عمران، محمد بن خالد، احمد بن محمد بن خالد، محمد بن حسین، محمد بن علی ابی سمینه، هارون بن مسلم و دیگران. نیز در شمار راویان او، اینان را می شناسیم: پسرش علی بن محمد، نواده او محمد بن علی بن محمد، حمزه بن قاسم علوی عباسی، محمد بن جعفر بن بطه، محمد بن حسن بن ولید، محمد بن یحیی.

ج. علی بن محمد بن ابی القاسم که در شمار مشایخ مصنف، از او یاد شد. او نوه دختری برقی است. نجاشی از او یاد می کند و گوید: «علی بن ابی القاسم، عبدالله بن عمران برقی، که پدرش به ماجیلویه شهرت دارد و کنیه خودش ابوالحسن است. ثقه، فاضل، فقیه و ادیب بود. احمد بن محمد برقی را دید و نزد او ادب آموخت. وی نوه دختری او بود. کتابهایی هم نوشته است.»

نکته تکمیلی در مورد کلام نجاشی، آن است که علی بن ابی القاسم، به عنوان نسبت به جد است که برای رعایت اختصار انجام شده و مشابه آن در عبارات قدما فراوان است؛ که در مجموع کلام او قرآنی بر این امر وجود دارد.

د. محمد بن علی بن محمد بن ابی القاسم، عبدالله بن عمران. وی از مشایخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، است که از کتابهای او بسیار روایت کرده و در اکثر اسانید خود، او را «ماجیلویه» نامیده؛ به گونه ای که از آن بر می آید که ملقب به ماجیلویه بوده است. البته این لقب را برای پدرش علی بن محمد نیز آورده؛ پس این لقب محمد بن ابی القاسم، هم به پسرش و هم به نوه او رسیده است.

در هر حال، این شیخ از پدرش علی بن محمد و جدش محمد بن ابی القاسم روایت کرده؛ چنان که در بسیاری از اسانید صدوق آمده است. و در بسیاری از این



اسانید، تبدیل جدّ به عمّ دیده می‌شود، بدین سان که گوید: «أخبرنا محمد بن علي ماجيلويه عن عمّه محمد بن أبي القاسم.»

به دلیل کثرت وقوع این تعبیر در اسانید صدوق، یکی از بزرگان دانشمندان گفته است: «محمد بن علی در شیوخ صدوق، نام دو تن است: یکی نوّه محمد بن ابی القاسم ماجیلویه و دیگری پسر برادرش. این وجه، بدین گونه سامان می‌گیرد که بگوئیم عبدالله بن عمران دو پسر داشت: یکی محمد که علی پسر او بود و نوّه او محمد است. و دیگری علی که پسر او محمد نام داشت. پس در این صورت، نام محمد بن علی مشترک میان دو تن می‌شود: یکی: محمد بن علی بن محمد بن عبدالله (نوّه محمد بن ابی القاسم)، دیگر: محمد بن علی بن عبدالله (پسر علی که برادر محمد بن ابی القاسم است). از آنجا که صدوق از هر دو روایت کرده، و هر دو از محمد بن ابی القاسم روایت کرده‌اند و ماجیلویه بر هر دو اطلاق می‌شده، هر دو تعبیر صحیح است.»

این است ملخص کلام آن دانشمند بزرگوار. اما جزم به این مطلب، به محض وجود این تعبیر در بعضی از اسانید، مشکل است؛ زیرا احتمال می‌رود که این وهم ناسخان باشد؛ خصوصاً بدین روکه قرائن دالّ بر تعدّد در تمام این اسانید، وجود ندارد.

بیست و ششم - علی بن موسی

تعداد روایات: یک حدیث که مصنف به اسم او تصریح کرده است.
معرفی: علی بن موسی بن جعفر، ابو جعفر قمی کمیدانی، یکی از افراد «عده من أصحابنا» ی احمد بن محمد بن عیسی.

مشایخ: احمد بن محمد بن عیسی که یاد شد. در همان یک سند، از او به عنوان «احمد بن محمد» نام می‌برد. من ندیدم که از دیگری روایت کرده باشد.
راویان (غیر از مصنف): علی بن بابویه.

بیست و هفتم - قاسم بن علاء

تعداد روایات: دو موضع.

معرفی: او همان شیخ جلیل است که از وکلای ناحیه مقدسه، در شهر مراغه از ناحیه آذربایجان بود. مدتی نابینا شد و زمانی قبل از مرگ، به معجزه ناحیه مقدسه، بینایی خود را باز یافت. این معجزه را صفوانی روایت کرده؛ چنان که شیخ طوسی در کتاب الغیبه آورده است.

بیست و هشتم - محمد بن ابی عبدالله

معرفی ۱: محمد بن جعفر بن عون، ابوالحسین اسدی کوفی، نزیل ری.

تعداد روایات: ۴۴ حدیث که مصنف در تمام آنها، از او به محمد بن ابی عبدالله تعبیر کرده، مگر در سه مورد که به محمد بن جعفر تعبیر کرده است.

مشایخ: اسحاق بن محمد نخعی (۱۰ حدیث)، سهل بن زیاد (۷ حدیث)، علی بن ابی القاسم، محمد بن اسماعیل برمکی صاحب صومعه (۱۰ حدیث)، محمد بن ابی نصر (ابی بشر، خ ل؛ ابی...، خ ل)، محمد بن حسان، محمد بن حسین (سه حدیث)، معاویه بن حکیم (۶ حدیث)، موسی بن عمران بن یزید نخعی (۲ حدیث)، ابی عبدالله نسائی.

راویان (غیر از مصنف): احمد بن حمدان قزوینی، حسن بن حمزه مرعشی طبری، حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام، علی بن احمد بن موسی دقاق، محمد بن احمد سنائی، محمد بن موسی بن متوکل.

معرفی ۲: او یکی از افراد «عده» سهل بن زیاد است؛ چنان که گفته خواهد شد. از مواضع متعدد بر می آید که او در ری، از طرف بعضی از وکلای ناحیه مقدسه، وکالت داشته است. بنا به نقل نجاشی از ابن نوح، وی در شب پنجشنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۳۱۲ درگذشته است.

توضیح: شیخ ابو جعفر طوسی برای این شیخ، کتاب «الرد علی أهل الاستطاعة»



را یاد کرده است. نجاشی از او یاد کرده و گوید: «ثقه و صحیح الحدیث بود؛ ولی از ضعفاء روایت می‌کرد. وی به جبر و تشبیه، عقیده داشت و کتاب الجبر و الاستطاعة از آثار اوست.» درباره کلام نجاشی باید توضیح داد که عقیده به جبر از چنان شخصی عجیب و عقیده به تشبیه، اعجاب است. اما کلام او در این دو مسئله، به ما نرسیده است. لذا از نظر دادن در مورد آن معذوریم؛ چراکه نسبت دادن او به این دو امر، مستند به کلامی است که اگر عین کلام به دست ما می‌رسید، چنین نسبتی از آن برداشت نمی‌کردیم. همچنین نجاشی در ضمن ترجمه صفوانی و حمزه بن قاسم گفته که هر یک از آن دو، کتابی بر رد این شیخ دارند؛ اما موضوع رد را یاد نکرده است.

بیست و نهم - محمد بن احمد بن صلت اشعری قمی

مشایخ: عموی پدرش، ابو طالب عبدالله بن صلت.

توضیح ۱. روایت او از کسی دیگر برای ما ثابت نشده است و آنچه از اسانید بدین سان دیده شود، ظاهراً معلول است.

راویان (غیر از مصنف): علی بن بابویه.

توضیح ۲. ابو جعفر بن بابویه (شیخ صدوق) نقل می‌کند که پدرش همواره علم و فضل و زهد این شیخ را می‌ستود.

تعداد روایات: هشت حدیث.

توضیح ۳. در تهذیب، چهارده حدیث از او آورده که تمام آنها از عموی پدرش بوده، و زائد بر آن معلول است.

توضیح ۴. جد این شیخ علی بن صلت، و برادرش عبدالله بن صلت، و پسر برادرش علی بن عبدالله بن صلت، همه از اهل علم و روایت بودند.

عبدالله و نیز برادرش علی، هر کدام کتابی نوشته‌اند.

سی ام - محمد بن اسماعیل

تعداد روایات: چهارصد و اندی حدیث.

توضیح ۱. مصنف. تمام این روایات را از او، از فضل بن شاذان، روایت کرده است. که اکثر - بلکه اغلب - آنها مقرون به اسانید دیگر است. من به روایتی از این شیخ دست نیافتم که از غیر فضل بن شاذان باشد و روایتی از مصنف ندیدم که به فضل بن شاذان برسد، مگر از طریق این شیخ. همچنین از این شیخ روایت کند، به جز مصنف و ابو عمرو کثی. البته افرادی دیگر از فضل روایت کرده اند؛ از جمله: محمد بن قتیبه، علی بن شاذان نیشابوری و ابی عبدالله شاذانی نیشابوری؛ اما مصنف از آنها روایت نکرده است.

توضیح ۲. ظاهر، این است که این شیخ، همان ابوالحسن نیشابوری است که شیخ طوسی در باب «لم» (از رجال خود) از او یاد کرده و گفته است: «محمد بن اسماعیل - که کنیه اش ابوالحسن نیشابوری بود - بندفر خوانده می شد.» محقق داماد در بعضی از حواشی که به او نسبت داده اند، گوید: «محمد بن اسماعیل بن علی بن سختویه، ابوالحسن نیشابوری.»

توضیح اینکه فضل بن شاذان و دیگر شاگردان او، همه نیشابوری بودند. پس ظن غالب، آن است که او نیز نیشابوری بوده است. به علاوه، وی - چنان که دیده می شود - از طبقه هشتم بوده است. در میان راویان شیعه، هیچ کس در این طبقه به نام محمد بن اسماعیل خوانده نشده است. مثلاً ابن بزیع، از طبقه ششم بود. برمکی و محمد بن اسماعیل بن عیسی قمی، از طبقه هفتم بودند.^۱ پس، از اینجا نیز می توان گمان برد که مراد، اوست؛ علاوه بر اینکه ابو عمرو کثی در برخی از اسانید خود، او را به صفت نیشابوری وصف کرده، و نیشابوری جز او در میان آنها نیست.

پس آنچه از قول بعضی از علما نقل شده که او، همان ابن بزیع است، قوی بسیار

۱. نام این هر سه تن، محمد بن اسماعیل بود. (مترجم)

ضعیف است؛ به دو دلیل: اول از آن روکه ابن بزیع، از طبقه ششم بود؛ یعنی طبقه‌ای که فضل بن شاذان از آنها روایت می‌کرد. مصنف نیز از کبار طبقه هشتم روایت نمی‌کرد؛ مگر به واسطه صغار آنها، چه رسد به روایت کردن از طبقه ششم. دوم، اینکه ابن بزیع، در زمان امام جواد علیه السلام از دنیا رفته است. و روایت کردن مصنف از او ممکن نیست؛ مگر آنکه مصنف، یکصد و سی سال یا بیشتر عمر کرده باشد.

ضعیف‌تر از این قول، آن است که دیگری گفته که مراد از این محمد بن اسماعیل، همان برمکی است؛ در حالی که برمکی، از طبقه هفتم است و مصنف از او، به توسط محمد بن جعفر اسدی روایت می‌کند.

توضیح ۳. ما از ابن شیخ، چیزی جز این نمی‌دانیم که او کتابهای فضل بن شاذان را به طریق سماع یا قرائت یا اجازه، روایت کرده است؛ اما یکی از متأخران او را به عنوان «متکلم فاضل متقدم بارع و تلمیذ مخصوص فضل» ستوده است. این وصف، ظاهراً افراط در حق او است؛ به کلامی که دلیلی بر آن نیست.

سی و یکم - محمد بن جعفر بن محمد قرشی، مولی بنی مخزوم

معرفی: وی ابوالعباس کوفی رزازی، دایی پدر ابی غالب زراری است. نقل شده که ابو غالب در رساله‌ای که در باب آل اعین نوشته، از او یاد کرده و او را ستوده و گفته است: «جایگاه او در میان شیعه، چنان بود که در هنگام وقوع غیبت در سال ۲۶۰، از طرف آنها به مدینه رفت، یک سال در آنجا زیست و سپس بازگشت. در همان مدت، در مورد امر صاحب الزمان علیه السلام به آنچه نیاز داشت، دست یافت. وی در سال ۲۳۶ زاده شد و در سال ۳۱۶ درگذشت.»

البته کلام ابو غالب که گفته: او در آن زمان، نماینده گروه شیعه در مدینه بود؛ خالی از استبعاد نیست؛ زیرا او در آن زمان، بیست و سه یا بیست و چهار سال داشته است (دقت شود).

مشایخ: ایوب بن نوح، عبدالله بن محمد بن خالد طیالسی، پدرش محمد بن خالد، دایی او علی بن محمد بن عیسی بن زیاد عبسی، پدر او محمد بن عیسی (جد مادری این شیخ)، قاسم بن ربیع صحاف، محمد بن احمد بن یحیی اشعری، محمد بن حسین بن ابی الخطّاب، محمد بن سلیمان ابی طاهر زراری، محمد بن عبدالحمید، محمد بن عیسی بن عبید، یحیی بن زکریا لؤلؤی.

توضیح ۱. روایات او در این کتاب (کافی)، فقط از ایوب، محمد بن خالد، محمد بن عبدالحمید و محمد بن عیسی است.

راویان (غیر از مصنف): ابو غالب احمد بن محمد زراری، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی، علی بن حاتم قزوینی، علی بن حبشی بن تونی، محمد بن محمد بن حسین بن هارون، ابوعلی محمد بن همام اسکافی.

تعداد روایات: چهل و اندی حدیث.

توضیح ۲. مصنف در اکثر این روایات، او را به لقب رزّاز یا کنیه ابوالعبّاس یا هر دو ویژگی یاد می‌کند تا او را از محمد بن جعفر اسدی، مشخص کند؛ همان گونه که غالباً از اسدی به عنوان محمد بن ابی عبدالله یا محمد بن جعفر اسدی یاد می‌کند. البته در ده سند، تمییز میان این دو، به دلایل دیگری نیاز دارد.

توضیح ۳. بر اساس آنچه یاد شد، معلوم می‌شود که او از بزرگان اصحاب حدیث بوده، ولی در دو کتاب فهرست (فهرست شیخ طوسی و...) از او یاد نشده، به این جهت که کتابی نداشته است. شیخ طوسی نیز از یادکرد او در باب «لم» () غفلت کرده است. بدین رو، از قلم بسیاری از متأخران نیز ساقط شده و در میان آنها مانند افراد فراموش شده، از یاد رفته است؛ اما نجاشی او را در طریق روایتی خود به بیشتر کتابها نام می‌برد.

توضیح ۴. باید دانست که از رساله ابو غالب زراری بر می‌آید که محمد بن عیسی بن زیاد عبسی، جد محمد بن جعفر رزّاز است. نجاشی در ضمن ترجمه

معمربن خالد، به آن تصریح می‌کند. همچنین از ترجمه سعدان بن مسلم بر می‌آید که علی بن محمد بن عیسی دایی اوست. بساگمان تعارض پیدا شود، میان این کلام با آنچه ابن قولویه در کامل الزیارة می‌آورد که در روایات زیادی، از محمد بن حسین بن ابی الخطاب به عنوان دایی محمد بن جعفر رزّاز یاد می‌کند. جمع میان این دو قول، آن است که ابن ابی الخطاب، برادرِ مادرِ او بود؛ اما از طریق مادر نه پدر؛ یا اینکه دایی پدر یا مادرش بوده است.

سی و دوم - محمد بن حسن

تعداد روایات: ۸۱ یا ۹۱ حدیث، با تصریح به نام او، مفرداً یا مقرون به دیگران. اختلاف در عدد، به دلیل تصحیف است که در ده حدیث روی داده است. البته او از عدّه سهل بن زیاد است؛ پس روایات او به این دلیل، فراوان‌تر می‌شود. مشایخ: ابراهیم بن اسحاق احمر (۶ حدیث)، سهل بن زیاد (۶۵ حدیث)، صالح بن ابی حمّاد (۱۰ حدیث)، عبدالله بن احمد، عبدالله بن حسن علوی. چنان که دیده می‌شود، اکثریت غالب روایات او، از سهل بن زیاد است.

معرفی ۱. جمعی از متأخران در مورد تعیین شخص او سخن گفته‌اند. فاضل استرآبادی اظهار داشته که وی محمد بن حسن صفّار است. بر اساس رساله یکی از اساتید که در باب «عدّه من أصحابنا» نوشته، کاظمی نیز با استرآبادی موافقت کرده است. استرآبادی استدلال می‌کند که:

اولاً: صفّار و کلینی در یک طبقه‌اند؛ چون صفّار در سال ۲۹۰ و کلینی در سال ۳۲۹ درگذشته‌اند.

ثانیاً: محمد بن حسن بن ولید - که چهارده سال بعد از کلینی درگذشته - از صفّار روایت می‌کند؛ پس کلینی برای روایت کردن از وی سزاوارتر است.

ثالثاً: این شیخ از ابراهیم بن اسحاق احمر، روایت کرده و صفّار نیز از او روایت

کرده است؛ چنان که در فهرست شیخ طوسی در ترجمه ابراهیم احمر آمده است. رابعاً: کلینی بیش از حدّ شمار، از محمدبن حسن روایت کرده؛ ولی به طور مطلق از او نام می‌برد، نه با وصف تمایز دهنده. پس معلوم می‌شود که تمام این نقلها از یک تن است و او یا صفّار است یا محمدبن حسن برنانی مجهول که کشی از او روایت کرده یا شخص مجهول دیگر. اما از کلینی بسیار بعید است که روایت از صفّار را ترک گوید و از شخصی مجهول روایت کند. بعضی از متأخران، بر این استدلال افزوده‌اند که کلینی محمدبن حسن را که در کلامش آمده وصف می‌کند، گاه بدون واسطه و گاه به واسطه محمدبن یحیی، از صفّار روایت می‌کند. و با این وصف، عدول از رأی مشهور و احتمال دادن در مورد ابن ولید و برنانی وجهی ندارد.

ادله قائلان به این قول، بدین ترتیب است که یاد شد. ضعف این ادله ظاهر است؛ بدین صورت:

پاسخ دلیل اول - وفات کلینی حدود چهل سال پس از وفات صفّار است؛ اگر چه از طبقه پس از طبقه صفّار باشد؛ چنان که یاد شد. این کلام به استدلال نزدیک تر است نه وحدت طبقه آنها که بیان کرده‌اند. اما این دلیل بر روایت کلینی از صفّار، دلالت نمی‌کند، بلکه حتی نمی‌رساند که کلینی، صفّار را درک کرده باشد؛ به طوری که بتواند از او تحمّل حدیث کند. چنان که علی بن بابویه - با این که همزمان با کلینی در یک سال وفات کرده است - روایتی از صفّار ندارد؛ چنان که از طرق صدوق در مشیخه من لایحضره الفقیه بر می‌آید، و صدوق - با اینکه از طبقه دهم است - کلینی را که از طبقه نهم بوده، درک نکرده است.

پاسخ دلیل دوم - کلینی برای روایت کردن از صفّار، از ابن ولید، سزاوارتر است؛ چرا که قبل از ابن ولید زاده شده، پیش از او علم حدیث آموخته و زمینه‌های

فراگیری حدیث از او برایش مهیا بوده است. البته ابن ولید پس از کلینی درگذشته است؛ ولی این نکته بر آنچه گفته‌اند، دلالت ندارد. ممکن است ابن ولید، سالهای فراوانی قبل از او زاده شده و پیش از او حدیث آموخته یا زمینه سفر به نزد مشایخ حدیث برایش فراهم شده باشد. به این دلیل، برخی از مشایخ را که کلینی درک نکرده، ابن ولید درک کرده باشد و پس از او نیز چهارده سال باقی مانده است. در این مورد، کافی است که به وضعیّت ابن عقده حافظ بنگریم که در زمان مصنف می‌زیست و چهارده سال پس از او رحلت کرد. با این همه؛ از بیشتر افراد طبقه هفتم روایت کرد؛ در حالی که مصنف، از کبار طبقه هشتم نیز روایت نکرد؛ مگر به واسطه صغار آنها.

پاسخ دلیل سوم - مشارکت دو تن در روایت از یک نفر، فراتر از حدّ شمار است. پاسخ دلیل چهارم - اینکه افراد یاد شده غیر از صفّار، در نظر ما مجهول یا غیر جلیل باشند، بدان معنی نیست که نزد کلینی نیز چنین باشند؛ با اینکه روایت او از غیر جلیل و ترک روایت از جلیل، در زمانی بعید است که هر دو امر برایش آسان بوده و میان انتخاب آن دو، تردّد داشته باشد و این معلوم نیست.

پاسخ دلیل پنجم - اگر محمدبن یحیی شیخ خود را محمدبن حسن صفّار توصیف کرده، این کلام نمی‌رساند که محمدبن حسن که کلینی از او روایت کرده و در عبارت او آمده است، همان صفّار باشد. بلکه فرض می‌کنیم که توصیف محمدبن حسن به صفّار، از عبارت کلینی باشد، نه محمدبن یحیی. در این صورت نیز دلالتی بر مقصود ندارد. چون صفّار، وصف کسی است که محمدبن یحیی از او روایت کرده نه کسی که خود کلینی از او روایت کرده است.

معرفی ۲. من ندیدم که کسی این محمدبن حسن را، ابن ولید بداند؛ چنان‌که این فرد متأخر یاد کرده است. البته محدّث خبیر میرزا حسین نوری، احتمال صفّار بودن



او را نفی کرده یا که محمد بن حسن یکی از این چند تن باشد: محمد بن حسن بن علی محاربی، محمد بن حسن بن علی ابوالمثنی کوفی، محمد بن حسن بن دار قمی که کشی در کتابش از او نقل می‌کند، محمد بن حسن قمی که نجاشی او را غیر ابن ولید دانسته و البته گفته که از تمام شیوخ ابن ولید روایت کرده است، محمد بن حسن برنانی، به دلیل اینکه به حسب طبقه سزاوار آن‌اند که مصنف از آنها روایت کند.

گاهی در کلمات برخی از دانشمندان، دیده می‌شود که مراد از محمد بن حسن، محمد بن حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره باشد؛ اما در میان فرزندان حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، فرزندی به نام محمد نمی‌شناسیم؛ افزون بر اینکه فرزندی از او به نام علی، می‌شناسیم که علی بن بابویه از او روایت کرده است و آنها هر دو، از حسن بن علی یاد شده روایت کرده‌اند.

معرفی ۳. این است کلمات دانشمندان در تشخیص این شیخ که من بدانها دست یافتم؛ اما آنچه از تتبع اسانید به دستم می‌رسد، آن است که او محمد بن حسن صفار نیست؛ چون هیچ شباهتی بین اسانید او و اسانید صفار وجود ندارد. صفار شیخی با گسترش روایات و کثیرالطریق است که از پنجاه و اندی شیخ کوفی و بغدادی و قمی و رازی روایت می‌کند؛ در حالی که این محمد بن حسن، فقط از معدودی شیخ رازی یا شیوخ نزیل ری نقل می‌کند. به علاوه، اغلب روایاتش از سهل بن زیاد است و روایت او از دیگران بسیار اندک است؛ در حالی که برای صفار، روایتی از سهل، ثبت نشده است. ما تمام مشایخ او را در بصائر الدرجات و تهذیب الاحکام و کتابهای دیگر بر شمردیم؛ اما در میان آنها سهل بن زیاد ندیدیم؛ مگر دو مورد:

یکی در تهذیب الاحکام، باب المسنون من الصلاة، که شیخ طوسی گوید: والذی یقضی بما ذکرناه - تا آنجا که گوید: - ما رواه محمد بن الحسن الصفار، عن



سهل بن زیاد، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، قال: قلت: لأبي الحسن عليه السلام: إن أصحابنا يختلفون في صلوة التطوع - تا آخر حدیث.

دوم - در کتاب من لایحضره الفقیه، باب الرجل یوصی بوصیة، شیخ صدوق وید: روی محمد بن الحسن الصفار، عن سهل بن زیاد، عن محمد بن الریان - تا آخر. ظاهر، آن است که مورد اول، معلول است و شیخ طوسی آن را از کافی برگرفته که سند در کافی چنین است: محمد بن الحسن، عن سهل بن زیاد. آن گاه چون پنداشته که او صفار است، او را به صفار، وصف کرده است.

مورد دوم، اگر چه معلول نیست، روایت نادری برای او از سهل ثبت شده است. این یک مورد کجا و این شیخ کجا که اکثر روایات او از سهل است؟

همین سان است محاربی، ابوالمثنی کوفی، ابن ولید و نظیر او، ابن بندار قمی، برنانی؛ چرا که نه روایت کلینی از آنها ثبت شده و نه روایت آنها از سهل، اگر نگوییم که عدم این روایتها معلوم است.

معرفی ۴. گمان غالب من آن است که او محمد بن حسن طائی رازی است که از اهل حدیث درری بوده و از علی بن عباس جزائینی و دیگر شیعه اهل ری یا نزیل ری یا مسافران عبوری از ری، نقل حدیث کرده و محمد بن یعقوب نیز از او روایت کرده است. اما کتابی نداشته، لذا در دو کتاب فهرست (فهرست شیخ طوسی و...) ترجمه او نیامده است. علاوه بر آن، از قلم شیخ طوسی در رجال نیز ساقط شده، یا به دلیل سهو یا به دلیل دیگر. متأخران نیز از او یاد نکرده اند و او به فراموشی سپرده شده است؛ مانند بسیاری از مشایخ دیگر. اما در گذر زمان، آثار اندکی از او بر جای مانده که بتوانیم آنها را بر وجودش دلیل آوریم. از جمله:

الف) نجاشی در ترجمه علی بن عباس جزائینی رازی - که به غلو و ضعف نسبت داده شده - بعد از این که کتابهایش را بر می شمرد، می گوید: «أخبرنا الحسين بن

عبدالله، عن ابن أبي رافع، عن محمد بن يعقوب، عن محمد بن الحسن الطائفي الرازي قال: حدّثنا علي بن العباس بكتبه كلّها.»

ب) مصنّف (کلینی) در کتاب الجهاد کافی، باب من يجب معه الجهاد گوید: «محمد بن الحسن الطائفي، عمّن ذكره، عن علي بن النعمان، عن سويد قائلًا» - الی آخر.

این عبارت را - که در سه نسخه مخطوط کتاب دیدم - با نقل صاحب وسائل و وافی مطابقت دارد. البتّه در نسخه خطّی دیگر و دو نسخه مطبوع از کافی، طائفي به طاطری تبدیل شده است. اما جمله‌ای که از نجاشی نقل شد، صورت اول (طائفي) را تأیید می‌کند؛ علاوه بر اینکه محمد بن حسن طاطری شناخته شده نیست. البتّه علی بن حسن طاطری معروف است؛ ولی از طبقه هفتم است [که ربطی به ما نحن فیه ندارد].

سی و سوم - محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، ابو جعفر قمی

معرفی: نجاشی گوید: «او ثقة و معتبر بود با صاحب الامر عليه السلام مکاتبه کرد و مسائلی در ابواب فقهی، از حضرتش پرسید. احمد بن حسین به ما گفت که اصل این مسائل به دست من رسید، که توقیعات بین سطور آن قرار داشت. او سه برادر داشت: جعفر و حسین و احمد که تمام آنها چنین مکاتباتی داشتند.»

مشایخ: پدرش عبدالله بن جعفر. من روایت او از دیگری را نیافتم.

راویان (غیر از مصنّف): علی بن حاتم، محمد بن علی قنّائی.

تعداد روایات: ۷ حدیث، بلکه ۹ حدیث، به دلیل تصحیف که در دو سند روی داده است؛ چنانکه در آینده گفته خواهد شد. او در تمام این اسناد، با محمد بن یحیی مقرون است؛ مگر در یک سند از آنها.

سی و چهارم - محمد بن عقیل

تعداد روایات: یک حدیث؛ که تصریح به اسم او دارد.

مشایخ: حسن بن حسین.

معرفی: او از عده سهل بن زیاد است؛ چنانکه گفته خواهد شد. در شمار این عده، روایات فراوانی به شیوه مقرون دارد.

طبقه رجالی: او از صغار طبقه هشتم است و ظاهر این است که رازی و کلینی است.

سی و پنجم - محمد بن علی بن معمر، ابوالحسین کوفی

مشایخ: عبدالله بن حشیش، علی بن حسن بن فضال، محمد بن راشد، محمد بن علی بن عکایه تمیمی، حمدان بن معانی ابوجعفر صبیح (که نجاشی درباره او گفته که از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام روایت کرده و در سال ۲۶۵ درگذشته است).

روایان (غیر از مصنف): محمد بن احمد بن جنید، تلعبری.

تعداد احادیث: سه حدیث که ناسخان یکی از آنها را تصحیف کرده اند.

معرفی: روایت او از حمدان، و روایت اسکافی و تکعبری از او می‌رساند که او حدود نود سال عمر کرده، پس از طبقه هشتم است و با کبار طبقه نهم نیز معاصر بوده است؛ همچنان که ابن معانی که - به گفته نجاشی - از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام روایت کرده و در سال ۲۶۵ درگذشته، حدود صد سال عمر کرده و از کبار طبقه ششم بوده که با طبقه هفتم نیز همزمان بوده است.

سی و ششم - محمد بن محمود ابو عبدالله قزوینی

تعداد روایات: ۱ حدیث (به شیوه متابعه در باب النوادر از کتاب العلم).

توضیح: در آن حدیث، ابتدا مصنف، از علی بن ابراهیم مرفوعاً از امام



صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: طلبه العلم ثلاثة - تا آخر حدیث. سپس می‌افزاید: «وحدّثني به محمد بن محمود، أبو عبدالله القزويني، عن عدّة من أصحابنا، منهم جعفر بن أحمد الصيقل بقزوين، عن أحمد بن عيسى العلوي، عن عبّاد بن صهيب البصري، عن أبي عبدالله علیه السلام مثله.»
برای این شیخ، جز این موضوع هیچ یادکردی نیافتیم.
طبقه رجالی: طبقه هشتم.

سی و هفتم - محمد بن یحیی عطار، ابو جعفر قمی

معرفی: نجاشی او را «شیخ شیعه در زمان خود، ثقه، عین، کثیر الحدیث» دانسته و گوید: او را کتابهایی است، از جمله کتاب مقتل الحسین علیه السلام و کتاب النوادر. جمعی از اصحاب ما، آنها را از پسرش احمد از محمد بن یحیی عطار روایت کردند.»

شیخ طوسی در باب «لم» گوید: «کلینی از او روایت کرده، قمی و کثیر الروایة بود.»

مشایخ: احمد بن ابی زاهر، احمد بن اسحاق، احمد بن محمد بن خالد، احمد بن محمد بن عیسی، بنان بن محمد، جعفر بن محمد کوفی، حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره، حسین بن اسحاق، حمدان بن سلیمان، سعد بن عبدالله، سلمة بن خطاب، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن محمد بن عیسی، علی بن ابراهیم جعفری، علی بن اسماعیل، علی بن حسن تیمی، علی بن حسین نیشابوری، علی بن محمد بن سعد قزوانی، عمران بن موسی، عمرکی، محمد بن احمد، محمد بن اسماعیل قمی، محمد بن حسن صفار، محمد بن حسین بن ابی الخطاب، محمد بن عبدالجبار، محمد بن عیسی، محمد بن موسی، موسی بن جعفر کمیدانی، موسی بن حسن، و جمع دیگر.

معرفی: وی در میان مشایخ مصنف، بیش از همه طریق روایت و مشایخ حدیث



داشت، تا آنجا که از حدود شصت تن از رجال طبقه هفتم و کبار طبقه هشتم روایت دارد. و خود، از صغار طبقه هشتم است.

راویان (غیر از مصنف): فرزندش احمد، علی بن بابویه، محمد بن ابراهیم نعمانی، محمد بن حسن بن ولید، محمد بن علی بن محمد بن ابی القاسم ماجیلویه. توضیح: مصنف در این کتاب (کافی)، علاوه بر نقل مستقیم، در ضمن عدة احمد بن محمد بن عیسی نیز از او روایت کرده، چرا که او در شمار همان عدة است. تاریخ ولادت و وفات او را نیافتیم.

خاتمه

۱. اینان رجالی هستند که مصنف از آنها در این کتاب روایت کرده، گر چه روایت او از بیشتر اینان اندک است؛ مانند: ابن بابویه (۱)^۱، ابوبکر حبال (۱)، ابوداود (۱۸)، احمد بن عبدالله (۱۰)، احمد بن محمد بن سعید (۴)، احمد بن محمد از محمد بن الحسن (۱۴)، حبیب بن حسن (۳)، حسن بن خفیف (۱)، حسین بن احمد (۵)، حسین بن حسن (۷)، حسین بن علی (۷)، حسین بن فضل (۵)، سعد بن عبدالله (۱۳)، عبدالله بن جعفر (۸)، علی بن ابراهیم هاشمی (۱)، علی بن الحسین (۳)، علی بن موسی (۱)، قاسم بن علا (۲)، محمد بن احمد (۸)، محمد بن عبدالله (۷)، محمد بن عقیل (۱)، محمد بن علی بن معمر (۳)، محمد بن محمود (۱). مصنف روایتی از داوود بن کوره به صورت مستقیم، هرگز ندارد و نقل از او فقط در ضمن «عدة من أصحابنا» است.

۲. در این میان، مصنف از برخی از مشایخ خود، احادیث زیادی نقل کرده است؛ که اینان اند: احمد بن ادريس، حسین بن محمد، حمید بن زیاد، علی بن ابراهیم، علی بن محمد کلینی، علی بن محمد بن بندار، محمد بن اسماعیل، محمد بن یحیی.

۱. اعداد، تعداد احادیث را نشان می دهد. (مترجم)

و در درجه بعد، اینان را می‌بینیم: احمد بن محمد عاصمی، احمد بن مهران، محمد بن جعفر اسدی، محمد بن جعفر رزّاز، محمد بن حسن.

اینان سیزده تن اند که هفت تن از رجال سه عدد در میان آنان‌اند. و اگر پنج نفر دیگر نیز به آنها ملحق شود، راویان مکث و طبقه بعد از آنها، به ۱۸ نفر می‌رسد؛ در حالی که راویان کم حدیث به ۱۹ نفر می‌رسند.

۳. شاید توهم شود که مصنف، غیر از آنها که یاد کردیم، بر اساس عبارتی که علامه از او نقل کرده است، مشایخ دیگر دارد:

الف) در تفسیر عدّه احمد برقی و سهل بن زیاد که شامل است بر: احمد بن عبدالله بن امیّه، علی بن حسن، علی بن محمد بن عبدالله بن اذینه، علی بن محمد بن علان.

ب) یا به دلیل مطالبی که در اوائل اسانید معلقه از رجال آمده است؛ غیر از آنها که ذکر شد؛ مانند حسن بن محبوب، صفوان و مانند آنها.

ج) یا اسانید غیر معلقه، از القاب مانند حمیری و رزّاز.

د) یا کنیه‌ها مانند: ابوالعبّاس رزّاز، کوفی، ابو عبدالله اشعری، عاصمی، ابوعلی اشعری.

ه) یا اسماء مانند: ابن ابی عبدالله، اسماعیل بن علی، حسن بن علی علوی، علی بن اسماعیل، علی بن عبدالله، محمد بن جعفر رازی، محمد بن حسین، محمد بن فضل.

درباره این عبارت علامه باید گفت:

۱. این عبارت، تصحیف شده است؛ ۲. اسانید معلقه، بعضی اسانید است که اوائل آن یاد نشده به دلیل اینکه قبل از آن مذکور افتاده است؛ ۳. افراد نام برده شده به لقب و کنیه‌ها، همان افرادی هستند که یاد شد، و غیر از آنها نیستند. ۴. اسانیدی که به اسماء یاد شده آغاز می‌شود، معلول به تصحیف یا ارسال است که بیان تمام

این موارد، در ضمن مباحث کتاب (ترتیب أسانید الکافی) خواهد آمد.

پیوست ۱

مصنّف در این کتاب، بارها، از «عدّة من أصحابنا»، از احمدبن محمّدبن خالد، احمدبن محمّدبن عیسی و سهل بن زیاد روایت کرده است. نجاشی و علامه حلّی از مصنّف نقل کرده‌اند:

۱. هر جا در کافی، عدّة من أصحابنا، از احمدبن محمّدبن عیسی است، افراد عدّه اینان‌اند: محمّدبن یحیی، علی بن موسی کمیدانی، داوودبن کوره، احمدبن ادریس، علی بن ابراهیم بن هاشم.

علامه این دو مورد را نیز از کلینی نقل کرده است:

۲. عدّة من أصحابنا، از احمدبن محمّدبن خالد، اینان‌اند: علی بن ابراهیم، علی بن محمّدبن عبدالله بن اذینه، احمدبن عبدالله بن امیّه (ابیه - خ ل)، علی بن حسن.

۳. عدّة من أصحابنا، از سهل بن زیاد، اینان‌اند: علی بن محمّدبن علّان، محمّدبن ابی عبدالله، محمّدبن حسن، محمّدبن عقیل کلینی.

در توضیح کلام نجاشی و علامه باید گفت: پس از استقصاء نظر در مباحث گذشته، جای تردید باقی نمی‌ماند در اینکه:

۱. محمّدبن عبدالله در عدّه احمدبن محمّدبن خالد، همان علی بن محمّد ماجیلویه بن ابی القاسم بندگان عمران حنّانی ابوالحسن قمی است، که نوّه دختری احمدبن محمّدبن خالد برقی است.
۲. ابن اذینه در عبارت نقل شده دوم، تصحیف شده و صحیح آن «ابن ابنته» است.

۳. احمدبن عبدالله در این سلسله نیز نواده احمدبرقی است. پس اینکه از «ابن امیّه» یا «ابن ابیه» نام برده، خطاست و صحیح آن «ابن ابنه» (نوّه پسری او)



است.

۴. علی بن حسن در این سلسله، غلط است. صحیح آن «علی بن حسین» است که همان سعدآبادی مؤدب است.

۵. علی بن محمد بن علان را در عدّه سهل بن زیاد، باید بدین گونه تصحیح کرد: «علی بن محمد، علان»، یعنی علان، بدل از علی است نه جدّ علی.

پیوست ۲

گاهی به طور نادر، در اسانید کلینی این عبارات دیده می شود:

۱. عدّه من أصحابنا، عن ابراهیم بن اسحاق الأحمر

۲. عدّه من أصحابنا، عن الحسین بن الحسن

۳. عدّه من أصحابنا، عن جعفر بن محمد

۴. عدّه من أصحابنا، عن سعد بن عبدالله

۵. عدّه من أصحابنا، عن صالح بن ابي حماد

۶. عدّه من أصحابنا، عن علی بن اسباط

۷. عدّه من أصحابنا، عن علی بن الحسن بن صالح الکلبی.

۸. عدّه من أصحابنا، عن علی بن الحسن بن فضال.

۹. عدّه من أصحابنا، عن محمد بن عبدالله.

من کلامی در تفسیر این عدّه‌های نه گانه و بیان رجال آنها نیافتیم. شاید بر اساس روایان از شیوخ مصنف، از افراد یاد شده که به توسط آنها روایت کرده است، بتوان گفت:

۱. عدّه واسط بین او و ابراهیم بن اسحاق، اینان اند: حسین بن حسن علوی، علی بن محمد بن ابی القاسم ماجیلویه، محمد بن حسن. یا اینکه این جمع همراه با علی بن محمد کلینی.

۲. عدّه جعفر بن محمد کوفی اینان اند: حسین بن محمد اشعری، علی بن محمد

کلینی، محمد بن یحیی.

۳. عدّه سعد بن عبدالله اینان اند: علی بن محمد، محمد بن یحیی.

۴. عدّه صالح بن ابی حمّاد اینان اند: حسین بن حسن علوی، حسین بن محمد اشعری، علی بن محمد کلینی، محمد بن حسن.

۵. عدّه علی بن حسن بن فضال اینان اند: احمد بن محمد عاصمی، علی بن محمد کلینی، محمد بن یحیی.

۶. عدّه محمد بن عبدالله (که ظاهراً همان ماجیلویه است) اینان اند: فرزندش علی بن محمد، محمد بن یحیی.

۷. عدّه علی بن اسباط. در صفحات آینده (از کتاب ترتیب أسانید الکافی) خواهیم گفت که میان مصنف و علی بن اسباط، یک نفر ساقط شده، و او احمد برقی یا سهل یا دیگری است. پس عدّه او، همان عدّه قبلی است.

۸ و ۹. در مورد عدّه علی بن حسن بن صالح و حسین بن حسن، نه آنها را می‌شناسم و نه در مورد عدّه آنها اطلاعی یافته‌ام و ظاهراً تصحیف در مورد آنها روی داده است و شاید پس از این به مطالبی در مورد آنها دست یابم.

